

شاهی که ترجیح می‌داد به جای پادشاهی بر ایران کلم فروش باشد!

۳ فروردین ۱۳۹۶ ساعت ۱:۰۰

شاید بتوان از قرارداد ۱۹۲۱ به عنوان تنها اتفاق موفق احمدشاه در سیاست خارجی نام برد. هرچند عامل اصلی و نهایی این موفقیت را باید شرایط سیاسی روسیه نیز دانست.

کافه تاریخ- مقالات

احمدشاه قاجار، آخرین پادشاه دودمان قاجار، از جمله پادشاهان ضعیفی بود که با از دست دادن قدرت اداره امور داخلی، در عرصه خارجی نیز از قدرت مقابله و یا تعامل صحیح با بیگانگان ناتوان بود. وی با سپردن امور سیاسی کشور به سایر شخصیت‌های سیاسی، عملاً زمام امور را از دست داده و باعث شد تا کشور تا آستانه تجزیه و فروپاشی توسط نیروهای داخلی و خارجی پیش رود. چنانچه بازیگران عمده خارجی از نظر سیاسی و نظامی به خاک کشور تجاوز و آن را عرصه تاخت و تاز خود قرار دادند.

احمد شاه قاجار؛ از آغاز سلطنت تا برکناری

احمدشاه قاجار، فرزند محمدعلی شاه بعد از سلطنت پدر به ولیعهدی انتخاب و بعد از تبعید او، توسط مشروطه خواهان به پادشاهی رسید. وی در سال ۱۲۹۳ و مقارن با آغاز جنگ جهانی اول تاجگذاری نمود. دوره احمدشاه قاجار از نظر سیاسی و اقتصادی از بحرانی ترین و سخت ترین سالهای حکومت قاجار محسوب میشود. این وضعیت از یک سو متأثر از کشمکشهای سیاسی میان مشروطه خواهان و سلطنتطلبان بود و از سویی به دلیل بیتجربگی و کم سن و سال بودن پادشاه جدید و البته بیعلاقگی او به سلطنت. چنانچه زمانی در رابطه با سلطنت خود گفته بود: «اگر در سويس کلم فروشی کنم بهتر است تا در چنین مملکتی پادشاه باشم.» ۱

اما آشفته تر از وضعیت داخلی، وضعیت خارجی و دخالت‌های گسترده انگلیس و روسیه در ایران و نیز ورود بازیگران جدید به

حریم سیاسی کشور است که رابطه پادشاه جدید و بیتجربه را وارد دورانی خاص میکند. این روابط با توجه به سلطنت پادشاه در دو دوره خاص تاریخی قابل بررسی است. دوره اول قبل از تاجگذاری وی و مربوط به سلطنت او از سال ۱۲۸۸-۱۲۹۳ میباشد که طی آن عضدالملک یکی از بزرگان خاندان قاجار به دلیل کم سن بودن پادشاه، عهدهدار امور کشور بود. در این دوره انگلیس و روسیه که پیش از آن و از ابتدای آغاز حکومت قاجار در ایران حضور و نفوذ داشتند، به رقابت و حضور خود تداوم بخشیدند. با این تفاوت که اگر تا پیش از آن قدرت و موافقت پادشاه در میزان نفوذ و دخالت سیاسی این دو کشور مؤثر بود، در زمان احمدشاه عملاً بسیاری از کارها بدون اجازه وی صورت میگرفت که همین موضوع نشان از بیهامیتی نقش او در قدرت داشت.

به عبارتی میتوان تعامل احمدشاه با قدرتهای خارجی را در دوره اول و پیش از تاجگذاری وی بیتأثیر و منفی دانست؛ اما در دوره دوم و همزمان با تاجگذاری احمدشاه در سال ۱۲۹۳ (ه. ش برابر با ۱۹۱۴) وضعیت سیاسی تغییر و روابط وی نیز متأثر از این تغییرات میگردد.

دوره دوم از ۱۲۹۳-۱۳۰۴

در این دوره تغییرات متعددی در عرصه بینالمللی رخ داده و عملاً رابطه بسیاری از کشورهای استعمارگر چون روسیه و انگلیس با مناطق نفوذ آنها نیز تحت تأثیر قرار میگیرد. این اتفاقات به وقوع جنگ جهانی اول، (۱۹۱۴-۱۹۱۸) و انقلاب بلشویکی روسیه مربوط میگردد. آغاز جنگ جهانی اول که همزمان با تاجگذاری احمدشاه قاجار بود، باعث شد تا کشور عملاً به اشغال کشورهای چون روسیه، انگلیس، عثمانی و نیز تجاوز برخی از نیروهای آلمانی درآید. علیرغم این که ایران در این جنگ اعلام بیطرفی نموده و احمدشاه نیز موضع خود را بیان نموده بود؛ اما اصل بیطرفی ایران نقض گشته و کشور به اشغال متفقین میرسد. بنابراین احمدشاه نتوانست عملاً در برابر این اقدام واکنشی نشان دهد و وضعیت به گونهای گردید که «پرچم ایران بر فراز فقط چند شهر عمده کشور در اهتزاز بود.»^۲

در این شرایط موضوع مبارزه با حضور اشغالگران تنها توسط حرکتهای خودجوش مردمی در نقاط مختلف کشور صورت میگیرد و پادشاه نتوانست اقدام لازم و مقتدرانه‌ای در این رابطه در پیش گیرد. با این حال وقوع انقلاب بلشویکی روسیه، ضمن آنکه باعث خروج نیروهای این کشور از ایران گردید، تعامل احمدشاه با این کشور را نیز تغییر داد. این انقلاب از یک سو باعث سرگرم شدن روسیه به امور داخلی خود گردید و از سویی با قرارداد ۱۹۲۱ منجر به کاهش نفوذ سیاسی این کشور نیز شد.

احمدشاه طی این قرارداد تلاش کرد تا با خروج روسیه از ایران امتیازاتی را به نفع ایران کسب نماید. طی فصل سوم این قرار داد، روسیه متعهد گردید از انتفاع جزائر آشوراده و جزائر دیگری که در سواحل ولایت استرآباد ایران واقع می‌باشند، صرف نظر کرده و قریه فیروزه را با اراضی مجاوره آن که مطابق قرارداد ۲۸ می ۱۸۹۳ از طرف ایران به روسیه انتقال داده شده بود به ایران مسترد نماید. علاوه بر این مطابق با فصل شانزدهم، کاپیتولاسیون ملغی و قرار گردید تمام کارهای قضایی اتباع روسیه در ایران، در محاکم محلی رسیدگی گردد. علیرغم آنکه این موفقیت مرهون کاردانی و زیرکی مشاورالممالک انصاری (نماینده ایران در قرارداد

(۱۹۲۱) و نیز متأثر از سیاست داخلی روسیه بود؛ اما نقش و تلاش احمدشاه نیز در انعقاد آن نیز بیتأثیر نبود و شاید بتوان از آن به عنوان تنها اتفاق موفق احمدشاه در سیاست خارجی نام برد. هرچند عامل اصلی و نهایی این موفقیت را باید شرایط سیاسی روسیه نیز دانست.

با این حال رابطه و تعامل با انگلیس چندان موفق نبود و شاه جوان نتوانست از این کشور در راستای افزایش قدرت خود استفاده نماید. از این رو، وضعیت حاکم، شرایط مناسبی برای انگلیس مهیا نمود تا بیشترین بهره را از این موقعیت کسب نماید. چنانچه قرارداد ۱۹۱۹ و نیز به قدرت رساندن رضاخان طی کودتای ۱۲۹۹ را میتوان حاصل این شرایط دانست. طی انقلاب بلشویکی و خروج نیروهای روسی از ایران، انگلیس در موقعیت خاصی جهت یکه تازی قرار گرفته و از این رو با حفظ نیروهای خود در مناطق جنوبی ایران و حمایت از جنبشهای محلی، تلاش نمود تا قرارداد ۱۹۱۹ را بر ایران تحمیل نماید. شاه با این قرارداد مخالفت کرد و حاضر نشد به آن تن دهد. اما ابزاری خاصی برای مقابله با انگلیسی ها نیز نداشت. به همین دلیل انگلیسیها زمانی که او را فرد مناسب و توانمندی جهت تأمین خواستههای خود ندیدند، با مهیا نمودن شرایط کودتای ۱۲۹۹، رضاخان را جایگزین او نمودند. با کودتای ۱۲۹۹ شاه رسماً و عملاً از صحنه سیاسی کشور کنار رفته و قدرت به رضاخان واگذار میگردد. رضاخان نیز با فراهم نمودن سفر شاه به خارج و دور کردن او از کشور بتدریج بساط قدرت قاجار را برچیده و با تاجگذاری در سال ۱۳۰۵، حکومت پهلوی را تأسیس مینماید.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۵۷۱۹/باشد-فروش-کلم-ایران-پادشاهی-جای-داد-می-ترجیح-شاهی/>